

عوامل دین‌گریزی و گرایش جوانان به فرهنگ غرب

هدی نادر^۱

چکیده

دین‌گریزی و گرایش جوانان به فرهنگ غرب همواره دغدغه‌هایی را برای رهبران دینی و دین‌داران خانواده‌های متدین به وجود آورده است و تهدیدی برای نسل جوان محسوب می‌شود. این پدیده در سده‌های اخیر به ویژه در قرن بیستم، بخش عظیمی از جهان را فرا گرفت و حتی موجب به وجود آمدن مکاتب فلسفی الحادی و ایدئولوژی‌های دین‌ستیز گریز گردید. هدف از تدوین این مقاله آگاهی جوانان و خانواده‌ها به دلایل و دوری و دین‌گریزی جوانان و همچنین علل گرایش آن‌ها به فرهنگ غرب یا اصطلاحاً غرب‌زدگی است تا بتوان با ارائه راهکارهایی عوامل دین‌گریزی و گرایش جوانان به فرهنگ غرب را بررسی کرد. انسان ذاتاً مشتاق دین است و فطرت او با درون مایه‌های دین پیوند تکوینی دارد. با این وجود به خصوص جوانان به دین‌گریزی روی می‌آورند. در دین الهی هیچ عنصر گریزاننده‌ای وجود ندارد. اگر انسان‌ها به دریافت معارف دینی و درک صحیح از دین حق نایل آیند هرگز از دین نمی‌گریزند نوشته حاضر به صورت توصیفی-تحلیلی و با استفاده از کتابخانه و روش فیش برداری تهیه شده است. از نتایج به دست آمده از تحقیق، نقش خانواده و رسانه‌ها در جلوگیری از گرایش جوانان به فرهنگ غرب و عدم دین‌گریزی آنان است. دین ذهن و خرد انسان را تغذیه می‌کند. عوامل زیادی در دین‌گریزی و غرب‌زدگی جوانان مؤثر است که باید آن‌ها را در خارج از قلمرو دین و آموزه‌های دینی جستجو کرد.

کلید واژه: جوان، دین‌گریزی، فرهنگ غرب، غرب‌زدگی، معارف دینی.

^۱ طلبه پایه پنجم سطح دو حوزه علمیه زهرائیه نجف آباد

مقدمه

پدیده دین‌گریزی و گرایش به فرهنگ غرب یکی از مشکلات اساسی جامعه می‌باشد. هر فردی با مراجعه به زندگی جوانان و مطالعه رفتارهای اجتماعی آن‌ها این مسئله را به صورت ملموس در خواهد یافت که در سال‌های اخیر گرایش به فرهنگ بیگانه و فرهنگ غرب در بین جوانان رشد صعودی یافته است. سؤالی که پیش می‌آید این است که چگونه می‌توان جوانان را به عدم دین‌گریزی و گرایش به فرهنگ غرب ترغیب کرد.

گروه‌هایی از جوانان به علل گوناگون از دین و فرهنگ حالت گریز پیدا کرده‌اند، به گونه‌ای که وقتی در بین برخی از آن‌ها از دین و فرهنگ خودی صحبت می‌شود، به صورت علنی بی‌میلی و بی‌علاقگی خود را به دین اظهار می‌کنند. البته این انکار و زدگی از دین به خاطر خود دین نیست، بلکه علل این مسئله بیشتر به رفتارهای دین‌داران و مدعیان بر می‌گردد. بخش عمده این رفتارهای انکار گونه و گرایش به فرهنگ بیگانه، به خاطر تبلیغات کاذب و دروغین درباره دین و القای شبهه در بین جوانان می‌باشد.

دین، مایه آرامش روانی و اخلاقی انسان و جامعه است. با وجود همه شبهات و تبلیغات سوء در مورد دین، همواره و در همه حال بارقه‌ای از دین و غیرت و حمیت دینی در روح و روان جوانان موج می‌زند. بارقه‌امیدی که سرانجام بسیاری از جوانان را از غوطه‌ور شدن در فرهنگ مبتذل غربی و بیگانه باز می‌دارد و آنان را به آغوش پر محبت دین باز می‌گرداند.

از آنجایی که بی‌شک سرمایه هر کشوری و به خصوص کشور ما جوانان هستند، از این رو دشمنان همواره سعی در ناکارآمدی و جدایی این قشر حساس از آن ملت را دارند. مهمترین مسیر برای جدایی جوانان و ناکارآمدی آنان، جداکردن جوانان از دین و اعتقادات و گرایش به فرهنگ غرب می‌باشد که ضرورت تحقیق در این خصوص و راهکارهای پیشگیری از آن را برای ما دوچندان می‌کند.

برای گردآوری این مقاله از منابع متعدد استفاده شده است، مانند: ۱. «میزان الحکمه» نوشته محمد محمدی ری‌شهری ۲. کتاب «ده گفتار» نوشته دکتر مرتضی مطهری که به موضوع دین‌گریزی و گرایش به فرهنگ غرب به شیوه منطقی و مستند به مسلمات عقلی و نقلی، تمام ابعاد و جوانب موضوع را مورد بررسی قرار می‌دهد و نهایتاً به یک جمع‌بندی و ارزیابی دقیق می‌رسد. ۳. کتاب «دین‌گریزی چرا؟» نوشته ابوالفضل ساجدی که در پی حل این معماست که چرا جامعه در مسیر

تعلیم و تربیت دینی چندان توفیق نداشته و گام های کامیابی آن کدام است؟ همچنین از آسیب های مشترک و مبنایی که می تواند باعث بی تأثیری اقدامات تربیتی شود، صحبت به میان آمده است.

برای گردآوری این مقاله از روش کتابخانه ای و به صورت بنیادی و کاربردی با استفاده از اسناد و مدارک، بهره برداری شده و پس از ویرایش و تصحیح به رشته تحریر در آمده است. عوامل مؤثری در دین گریزی و گرایش جوانان به فرهنگ غرب مؤثر است. در این مقاله به آسیب شناسی نسل جوان، ویژگی های دوره جوانی، عوامل دین گریزی نسل جوان، شیوه های دشمن برای دور ساختن جوانان از دین، عوامل گرایش جوانان به فرهنگ بیگانه و راه کارهای رفع دین گریزی و گرایش به فرهنگ بیگانه اشاره شده است.

شرح مفاهیم

واژه دین گریزی از دو قسمت دین و گریز تشکیل شده است. از این رو هر یک از این اجزا جداگانه بررسی می شود.

- ۱- دین: دین به مجموعه تعالیمی گفته می شود که از سوی خدا و توسط انسان هایی برگزیده برای بشر ارسال شده و مشتمل بر سه حوزه عقاید، اخلاق و احکام است.^۱
- ۲- گریز: در مفهوم واژه گریز، دست کم سه موضوع اساسی لحاظ شده است:
 ۱. دور شدن و فاصله گرفتن. ۲. نوعی مواجهه و آشنایی اولیه. ۳. نوعی نفرت، دلزدگی و بد آیند.^۲
- ۳- دین گریزی: هر نوع فاصله گیری یا واپس گرایی از دین و تمام نمودهای مهم دینی در گرایش با بینش و کنش.^۳
- ۴- فرهنگ غرب: مخصوصاً پس از رنسانس تفسیر تازه ای از روابط انسان با طبیعت و خداوند ارائه می کند و همه امور زندگی اجتماعی، برپایه روش های تجربی و آنچه در علوم طبیعی به کارگرفته می شود، قرار می گیرد و بقای انسان و دستیابی به

۱. پایگاه اطلاع رسانی حوزه www.hozeh.net

۲. همان

۳. فرهنگ عمید

کامروایی دنیایی، هدف عالی جامعه می شود و بیش از پیش به التذاذ دنیوی و رفاه مادی انسان توجه می گیرد.^۱

آسیب شناسی نسل جوان

در این زمینه در پایان نامه کارشناسی ارشد بیان شده است: «درک جوان» از جمله مسائلی است که لازم است توسط خانواده و جامعه در مورد جوانان رعایت شود. به دلیل آن که جوان خود را در این سنین غریب و تنها می بیند، اغلب سعی می کند علیه سنت ها و آداب و رسوم قیام نماید، از والدین خود و جامعه کناره گیری کند و فقط با همسالان خود تماس بگیرد. در چنین حالتی، جوان به یک یا چند راهنما نیاز دارد تا او را درک کرده و محرم اسرار و همراه او گردند.

حال اگر کسی نباشد که به درد دل های جوان گوش فرا دهد و یا احیاناً پدر و مادر در مقابل تفکرات او واکنش شدیدی از خود نشان دهند، روشن است که جوان دیگر والدین را محرم اسرار خود نمی داند و مسائل خصوصی را با آنان در میان نمی گذارد. پس باید با جوان همراه بود و به او گفت که ما تو را درک می کنیم و می توانی مشکلات و ناراحتی های خود را با ما در میان بگذاری. وقتی جوان احساس کرد که حرف هایش خریدار دارد، آن ها را با پدر و مادر در میان خواهد گذاشت. در غیر این صورت، احساس تنهایی کرده و تعادل روانی خود را از دست می دهد. حال اگر جوانی به هر دلیلی احساس کند درک نمی شود و خود را در سطح خانه یا جامعه بیگانه ببیند، علیه تفکر، مذهب و یا نحوه پوشیدن لباس بزرگسالان طغیان می کند و این مسئله را به شکل های گوناگون از جمله پوشیدن لباس هایی با نماد غربی بروز می دهد.

دوران نوجوانی و جوانی مهم ترین دوران زندگانی انسان محسوب می شود. در این دوران تحولات عظیمی در درون فرد روی می دهد. او در مرز بلوغ و نوجوانی از طفیلی بودن رنج می برد و می خواهد به خود متکی گردد. نیروی عاطفی در او افزایش می یابد و در عالم دوستی، افراد را عاشقانه دوست دارد و در عالم قهر و نزاع، تا مرز انتقام پیش می رود.

در این سنین، افراط و تندروی، غرور، خودشناسی، تردید، اضطراب، خیالات، تهور، استدلال قوی و هوش در بالاترین درجه خود قرار دارد و استعدادها به اوج می رسد. از این رو، جوانی یک فرصت

۴. غرب شناسی دکتر رهنمایی، چاپ موسسه امام خمینی

طلایی است؛ گو اینکه ترقی انسان در این سن شکل می گیرد و انحطاط و سقوط نیز در همین سن به وقوع خواهد پیوست.

نوجوانی و جوانی که در یک خانواده نابسامان و محیطی آمیخته با اختلافات خانوادگی پرورش یافته، به سختی در مدرسه قابل تربیت خواهد بود. اگر والدین بیش از آنچه که به نیازهای مادی فرزندان اهمیت می دهند، به جنبه های روحی آنان می پرداختند، مشکلات کمتری ایجاد می شد و بزهکاری ها کاهش می یافت. بیشتر کودکان بزهکار، از حاکمیت نداشتن عاطفه در روابط خانوادگی و کمبود محبت گلایه داشته و رنج می برند.^۱

شرایط حاکم بر این دوران بیانگر این است که جوان احتیاج به آرامش روانی بیشتر و ارتباط صمیمانه و دوستانه دارد. به عبارت دیگر، او همدم و مونس می طلبد که وجودش را درک کند و همچون او، طعم ناخوشایند انتقاد، تهدید، تحقیر و روابط آمرانه را چشیده باشد. کسی را می خواهد به دور از روابط آمرانه، حاکمانه و ناصحانه، با او دوستانه و صمیمانه سخن بگوید و دیگران وجودش را به گونه ای که هست درک کنند.

در اهمیت این دوران همین بس که طبق سخن پیامبر (صلی الله علیه و آله) یکی از مهم ترین چیزها که در قیامت قبل از برداشتن هر قدمی مورد سؤال قرار می گیرد، دوران جوانی است. و به همین دلیل، آن حضرت درباره آنان چنین سفارش فرموده است:

برتری جوان عابدی که در جوانی خود ره بندگی پیش گرفته، بر پیری که در بزرگسالی به عبادت روی آورده؛ همچون برتری فرستادگان الهی بر دیگر مردمان است.^۲

ویژگی های دوره جوانی

برای اینکه بتوانیم آسیب شناسی بهتری از جوان داشته باشیم در اینجا به برخی از ویژگی های دوره جوانی از مطالب فریدو موحّد نیا اشاره می شود:

^۱ در این زمینه رک. فریدون موحّد نیا، علل گرایش نسل جوان امروز به فرهنگ بیگانه، پایان نامه کارشناسی ارشد، قم، مؤسسه آموزش و پژوهشی امام خمینی (ره) ۱۳۷۹، ص ۳۵-۳۶.

^۲ محمد محمدی ری شهری، منتخب میزان الحکمه، ترجمه حمید رضا شیخی، چ سوم، قوم، دار الحدیث، ۱۳۸۴، ص ۲۹۰.

۱. **علاقه به دوستی با همسالان:** بشر در تمام دوران زندگی خویش همواره نیازمند دوستی با دیگران است. جوانان نیز در این سنین به گروه همسالان، علاقه بیشتری پیدا می کنند، با آنان روابط دوستانه و صمیمانه برقرار می سازند و دوست دارند بیشتر اوقاتشان را با آنان بگذرانند. گاه این علاقه و دوستی تا مرحله عشق ورزیدن پیش می رود. آن ها به همسالان خود پناه می برند؛ زیرا مشکلاتی مشابه دارند. جوانان با یکدیگر انس می گیرند و حتی رفتارشان نیز در یکدیگر تأثیر می گذارد.

بنابراین، انتخاب دوست در این دوران از اهمیت زیادی برخوردار است؛ چه اینکه سعادت و خوش بختی نیز در معاشرت و دوستی با مردم بزرگوار است.^۱ پیامبر اعظم (صل الله علیه و آله) می فرماید: «أَسْعِدُ النَّاسَ مَنْ خَالَطَ كِرَامَ النَّاسِ»؛ خوشبخت ترین مردم، کسی است که با مردمان بزرگوار در آمیزد^۲ نباید احساسات فرد در این سنین، نسبت به دوستانش لکه دار گردد. گو اینکه جوان با استفاده مثبت از دوستان خود می تواند بر بسیاری از مشکلاتش فائق آید.

۲. **علاقه به محیط مساعد برای رشد ذهنی:** جوان به دنبال محیطی می گردد تا در آن در محیط رشد ذهنی یابد و خلاقیت خویش را نشان دهد و رفتارش مورد تأیید قرار گیرد.

۳. **افتخار به شخصیت:** تشخیص طلبی یکی از غرایز بشر است و در نسل جوان بسیار قوی و نیرومند بروز می کند. جوان به نوع لباس، نوع آرایش مو و نوع واکنش هایش در برخوردها افتخار می کند و در جمع همسالان خود به ابراز شخصیت و خودنمایی می پردازد. او می خواهد بفهماند که من هم بزرگ شده ام. در این زمینه، والدین با برخورد مناسب و هدایت او در انتخاب لباس های مناسب و نوع برخوردهایش ضمن احترام به شخصیت وی، می توانند او را در مسیر صحیح هدایت کنند.

۴. **علاقه به آزادی بی حد و حصر:** یکی از تمایلات و خصیصه هایی که در این دوران شدت می یابد، علاقه به آزادی بی حد و حصر و بی قید و شرط است. او می خواهد مقررات اجتماعی را نادیده بگیرد و در راه ارضای تمایلات خویش از آزادی های تند و بی حساب استفاده کند.

۵. **شدت یافتن غریزه جنسی:** غریزه جنسی یکی از غرایز نیرومند و حساس در وجود انسان است. این غریزه در حیات روانی و جسمانی انسان تأثیرات فراوانی دارد. بسیاری از اعمال و رفتارها حتی بیماری های جسمانی و روانی انسان از این غریزه مایه می گیرد. اگر این غریزه به نحوه ای

^۱ فریدون موحّد نیا، پیشین، ص ۲۱-۲۷.

^۲ محمد محمدی ری شهری، پیشین، ص ۲۷۲.

درست و با روش عاقلانه تر پرورش یابد، زندگی را قرین آسایش می گرداند و چنانچه در طریق افراط و تفریط واقع شود، ممکن است صدها ضایعه جسمانی و روانی به دنبال بیاورد.

مقام معظم رهبری، به زیبایی تمام دوران جوانی را به تصویر می کشند:

«جوانی، یک پدیده درخشان و یک فصل بی بدیل و بی نظیر از زندگی هر انسانی است. جوان در دوره جوانی، به خصوص در آغاز جوانی، تمایلات و انگیزه هایی دارد:

اولاً، چون در حال تکوین هویت جدید خود است، مایل است شخصیت جدید او به رسمیت شناخته بشود؛ که غالباً این اتفاق نمی افتد و پدر و مادرها جوان را در هویت و شخصیت او گویا به رسمیت نمی شناسند.

ثانیاً، جوان احساسات و انگیزه هایی دارد؛ رشد جسمانی و روحی دارد؛ به دنیای تازه ای قدم گذاشته است که غالباً دور و بری ها، خانواده، کسان، افراد در جامعه، از این دنیا بی خبر و بی اطلاع می مانند، یا به آن بی اعتنایی می کنند؛ لذا جوان احساس تنهایی و غربت می کند.

ثالثاً، جوان در دوره جوانی، چه اوایل بلوغ و چه بعدها، با مجهولات زیادی رو به رو می شود؛ مسائل جدیدی برای او مطرح می شود که سؤال انگیز است، در ذهن او شبهه ها و استفهام هایی به وجود می آید که مایل است به این شبهه ها و سؤال ها و استفهام ها پاسخ داده بشود.

رابعاً، جوان احساس می کند در وجود او انرژی های متراکمی وجود دارد؛ توانایی هایی را در خود احساس می کند؛ هم از لحاظ جسمانی، هم از لحاظ فکری و ذهنی.

خامساً، جوان برای اولین بار با دنیای بزرگی در دوره جوانی مواجه می شود که این دنیا را تجربه نکرده و از این دنیا چیزهای زیادی نمی داند، بسیاری از حوادث زندگی برای او پیش می آید که تکلیف خودش را در مقابل آن ها نمی داند، احساس می کند که احتیاج به راهنمایی و کمک فکری دارد^۱.

عوامل دین گریزی نسل جوان

^۱ از بیانات مقام معظم رهبری در دیدار با جوانان، اول اردیبهشت ۱۳۷۹.

انسان ها و به خصوص جوانان به طور طبیعی و ذاتاً به دنیا طلبی و راحت طلبی و رهایی از قید و بندها بیشتر علاقه مند هستند تا حرکت به سوی خدا و دین و توجه به رشد معنوی و تعالی و قیود دین. عوامل متعددی در دین گریزی نسل جوان مؤثر است از جمله:

الف: غفلت، جهل و عدم تفکر جوانان درباره دین

در کتاب پرسش و پاسخ دانشجویی، جوان از نظر شناختی، دارای تفکر انتزاعی است و از نظر ذهنی به حداکثر کارایی هوش می رسد. در این دوره، گرایش جوانان به «فلسفه زندگی»، آنان را به سوی مسائل اخلاقی، سیاسی و مذهبی سوق می دهد. جوانان تلاش می کنند هویت مذهبی خود را شکل دهند، اما به دلایل گوناگون ممکن است در فرایند هویت یابی مذهبی با بحران مذهبی مواجه شوند و نتوانند این هویت را خوب تشخیص دهند؛ در نتیجه، دچار سردرگمی و در نهایت، حالت بی رغبتی و گریز از دین شوند. یکی از علل این بحران، ناهمخوانی سطح شناختی جوان با سطح معارف دینی است که به او ارائه می شود.

جوان به دلیل توانمندی های ذهنی خود، دین صرفاً تقلیدی را بر نمی تابد. او باورهای دینی را که از دوران کودکی به صورت تقلیدی به او القا شده، کنار می زند و می خواهد دینی را بپذیرد که با سطح تفکر او متناسب باشد. اما بسیاری از اوقات آنچه به عنوان دین به او عرضه می شود برایش قانع کننده نیست.

از سوی دیگر، جوان می خواهد همه آموزه های دینی را با عقل خود بسنجد. او فکر می کند اگر آموزه های دینی در قالب های فکری او بگنجد صحیح است، وگرنه درست نیست و باید کنار گذاشته شود. این عوامل موجب می شود هویت دینی جوان به خوبی شکل نگیرد و دچار بحران شناختی نسبت به این آموزه ها شود و راه نجات از این بحران را گریز از دین بداند!

قرآن نیز یکی از علل عمده گرایش به کفر و بی ایمانی را جهل و ضعف معرفتی انسان ها می داند. حضرت نوح (علیه السلام) به قوم خود می فرماید: (وَلَكِنِّي أُرَاكُمْ قَوْمًا تَجْهَلُونَ^۱) ، شما را مردمانی ناآگاه می بینم.

امیر مؤمنان (علیه السلام) نیز درباره کفر می فرماید: «لو ان العباد حين جهلوا وقفوا، لم يكفروا و لم يضلوا»^۲ «اگر مردم در موارد ناآگاهی، درنگ و تأمل می کردند، هرگز به کفر و گمراهی نمی گراییدند» بنابراین، یکی از علل روان شناختی دین گریزی در همه انسان ها، به ویژه جوانان، ضعف معرفتی و عدم تفکر درباره دین است.

علت دیگر این بی رغبتی و گریز از دین، برداشت های غلط و نادرست از معارف دینی می باشد. بسیاری از اوقات، دین مساوی با معنویت لحاظ شده و در حد یک نیاز معنوی صرف بدان نگریسته می شود. سپس چنین نتیجه گیری می گردد که نیاز به معنویت، فقط ویژه مواقع سختی و بحران های شدید است و دین نقش اساسی در زندگی انسان ندارد. این دیدگاه ساده انگارانه و کاهش گرایانه نسبت به معارف دینی، به تدریج باعث حذف دین از زندگی می شود. جوانی که در جستجوی فلسفه زندگی است، اگر احساس کند دین در معنادهی و جهت بخشی به زندگی او تأثیر مثبتی ندارد، به تدریج آن را کنار می گذارد و چه بسا آن را امری زاید و دست و پاگیر انگاشته، از آن گریزان می شود.^۳

ب: تهاجم سازمان یافته فرهنگی دشمن

دشمن برای دور ساختن جوانان از دین، از انواع راه ها و شیوه ها استفاده می کند و به هر ترفندی دست می زند. در ذیل به برخی از آن ها اشاره می شود:

۱. تضعیف باورها و اعتقادات دینی

جوانان آینده سازان کشورند و اگر خوب تربیت شوند و باورهای دینی را در قلب پاک خویش بپرورانند، هادیان جامعه خواهند بود. شور و نشاط جوانان وقتی با فرهنگ پاک و پویای اسلام عجین شد، آن گاه به بار خواهد نشست و همگان از ثمرات آن بهره مند خواهند گردید. دشمنان

۱. هود: ۲۹

۲ محمد محمدی ری شهری، میزان الحکمه، ترجمه حمیدرضا شیخی، قم، دارالحديث، ۱۳۷۷، ج ۲، ص ۱۵۳.

۳ حمیدرضا شاکرین، پرسش ها و پاسخ های دانشجویی، چ سوم، قم، معارف، ۱۳۸۵، ص ۲۴۸-۲۵۰.

اسلام این نکته را خوب می دانند، از این رو، «باورهای اسلامی» را مورد هجوم قرار می دهند و می کوشند از هر طریق اعتقادات مذهبی را در وجود جوانان سست و کم رنگ کنند، زیرا با وجود فرهنگ اسلامی، که با فطرت بی آرایش جوانان سازگار است، جای هیچ نفوذی برای فرهنگ بیگانه نیست.

مقام معظم رهبری از این توطئه شوم چنین نقاب بر می گیرند:

«یکی از راه های تهاجم فرهنگی این بود که سعی کنند جوانان مؤمن را از پای بند های متعصبانه به ایمان، که همان چیزی است که یک تمدن را نگه می دارد، منصرف کنند، مانند همان کاری که در قرن های گذشته در "اندلس" کردند، جوان ها را ریختند در عالم فساد، شهوت رانی و میگساری این کارها در حال حاضر دارد انجام می گیرد»^۱

۲. ارائه معیارهای فرهنگ غرب: از دیگر شیوه های عملی دشمن در جهت نابودی فرهنگ ملی و اسلامی کشور ما، ارائه معیارهای ارزشی فرهنگ غرب و القای آن بر افراد جامعه است؛ رفاه مادی، بهره جویی و لذت بردن بی حد و لجام گسیخته در زندگی و سرانجام، زندگی در چهارچوب حیات مادی و حیوانی به دور از معنویات و اخلاق و انسانیت. تمام تلاش های آنان پیرامون محور مادی بودن انسان و به عبارتی، بسیج همه امکانات در مسیر لذت بیشتر، سیر می کند. از این رو، انسان با معنویت و با تقوا را، چنانچه از سرمایه های مادی بی بهره باشد، انسانی مرتجع و غیر متمدن می دانند، ولی انسان بی بند و بار، رفاه طلب، سودجو، ثروت اندوز، چپاولگر، بی دین و لامذهب را انسانی متمدن، متشخص و هماهنگ با زندگی مدرن امروزی معرفی می کنند.^۲

۳. اشاعه فساد، ابتذال و بی بند و باری: پرورش روح انسان بدون محدود کردن شهوت امکان پذیر نیست و انسان وقتی شهواتش عنان گسیخته باشد، مانند حیوانات می شود و در این صورت، راه رشد انسانی برای رسیدن به کمالات مسدود می گردد. از این رو، اسلام، بخصوص برای ارضای غریزه جنسی، ضابطه، قاعده، حدود و قیود تعیین کرده است. بر همین اساس، یکی از راه های آسان و ساده مبارزه با نفس دین در یک جامعه، باز کردن راه عنان گسیخته شهوات است، یعنی همان کاری که انگلیسی ها در ادوار گذشته در ممالک اسلامی انجام دادند و جوانان را در عالم فساد و میگساری غرق کردند.

^۱ بیانات مقام معظم رهبری، روزنامه جمهوری اسلامی، ۲۲ مرداد ۱۳۷۲، ص ۳.

^۲ همان

همفر، جاسوس انگلیسی در ممالک اسلامی در سال ۱۱۸۰ م، در خاطرات خود راه های نابودسازی عوامل نیرومند مسلمانان را چنین برمی شمرد:

ترویج شراب خواری، قمار، فساد، شهوترانی، ترغیب به زیر پا نهادن دستورات اسلام و ...^۱

مقام معظم رهبری در دیدار با فرماندهان نیروی مقاومت بسیج فرمودند:

«دشمن از راه اشاعه فرهنگ غلط فساد و فحشا سعی می کند جوان های ما را از دست ما بگیرد. کاری که از لحاظ فرهنگی دشمن می کند تنها یک تهاجم فرهنگی نیست، بلکه باید گفت یک شبیخون فرهنگی، یک غارت فرهنگی و یک قتل عام فرهنگی است. امروز دشمن دارد این کار را با ما می کند.»^۲

ایشان در فرمایشات دیگری، به ناتوی فرهنگی دشمن نیز اشاره کردند؛ یعنی همان گونه که دشمن در جهت نظامی و اهداف نظامی یک نیرویی به نام ناتو (ناتوی نظامی) در اختیار دارد، اهداف فرهنگی خود را نیز با تشکیل یک ناتوی فرهنگی به پیش می برد. ایشان در مقابل این تهاجم و ناتوی فرهنگی دشمن، راه کار مهندسی فرهنگی را مطرح نمودند.

۴. **ارائه الگوهای غربی:** اصولاً کارکرد اساسی و وظیفه اصلی استعمار فکری این است که افراد و ملت های زیر سلطه، شخصیت اصلی خویش را از دست داده و به صورت جزئی از کشور استعمارگر درآیند، آن هم جزئی که اصول تفکر و فرهنگ اصیل استعمارگر را به صورت بهترین ارمغان و یا حتی به شکل وحی منزل آسمانی پذیرا شده و آن را معلم مطلق فرهنگ، دانش، اخلاق و همه چیز خود بداند. کوتاه سخن اینکه به برتری بی چون و چرای فرهنگ و دانش و آداب و رسوم آن اعتراف نماید. بر همین اساس است که استعمار با ارائه الگوهایی برای افراد جوامع، در جهت وابستگی فرهنگی آنان می کوشد و فرهنگ خود را به گونه ای القا می کند که ملل استعمار شده فرهنگ اصیل خویش را رها کرده و مجذوب فرهنگ او شوند.^۳

۵. **تخریب و ترور شخصیت های دینی و مذهبی:** قهرمانان و شخصیت های واقعی هر ملت، از عوامل پویایی و بالندگی آن ملت محسوب می شوند. آنان چون قله رفیع، در بین جامعه درخشیده و

^۱ معاونت سیاسی نمایندگی ولی فقیه در قرارگاه ثارالله، نفوذ و استحاله، تهران، معاونت سیاسی نمایندگی ولی فقیه، ۱۳۷۸، ص ۳۵.

^۲ بیانات مقام معظم رهبری در دیدار با فرماندهان نیروی مقاومت بسیج ۲۲ تیر ۱۳۷۷.

^۳ فریدون موحد نیا، پیشین، ص ۶۲.

نسل های جدید را به تلاش و کوشش و مجاهدت فرا می خوانند. دشمنان با گستردن دام های گوناگون سعی در تطمیع و تخریب آنان داشته و در صورت عدم موفقیت، با نشر شایعات و اکاذیب به ترور شخصیت افراد مؤثر می پردازند و در نهایت، برای تحقق اهداف شوم خویش دست خود را به خون پاک برگزیدگان و اندیشمندان و مجاهدان ملت آغشته می سازند که تاریخ انقلاب اسلامی ما نمونه های فراوانی از این نوع ترندها در دل خود جای داده است.^۱

۶. استفاده ابزاری از گروه های مذهبی: یکی از روش های دیرین دشمن برای بسط سلطه خویش، استفاده از اعتقادات انحرافی در برابر عقاید و ارزش های اصیل است. آنان در تلاشند تا مذهب را که عوامل بیداری، پویایی، نظم ستیزی، عدالت گستری و تأمین کننده سعادت دنیا و آخرت است، به عامل تخدیری، انفرادی، انزوا طلبی، ظلم پذیری، واپس گرایی و رهبانیت تبدیل نمایند و به تعبیر امام راحل (قدس سره)، اسلام ناب محمدی را به اسلام آمریکایی مبدل سازند.^۲

تأکید بر اختلافات مذهبی، تکیه افراطی بر تفاوت های شیعه و سنی، ترویج مذهب دروغین، تحریف مفاهیم بلند همچون انتظار، توکل، دعا، قضا و قدر و تعبد، همه در جهت این هدف شوم سازمان دهی و اجرا می شوند.

ج: ناسازگاری میان قول و عمل مدعیان دین

در کتاب دین گریزی چرا؟ مسئله دیگری که به عنوان عامل دین گریزی مطرح شده است اعمال خلاف کسانی است که نسل جوان به عنوان الگو بدان ها توجه می کنند. این امر بسیار مهم و خطرناک است و عامل دین گریزی آن ها می شود.

جوانان با مشاهده کسانی که قول و عملشان یکی نیست و در عین حال، دعوت به دین داری می کنند، از خود می پرسند: اگر اسلام خوب و ارزشمند است، چرا مدعیان آن بدان عمل نمی کنند؟ آن ها می گویند: چرا این مدعیان دین فقط ما را به عمل به دستورات دینی توصیه می کنند، حال آنکه فرسنگ ها با دین و احکام دینی فاصله دارند؟

جوان چون هنوز از پختگی لازم در مورد دین برخوردار نیست و به آن حد از شناخت و عرفان مذهبی نرسیده است تا لغزش افراد را به حساب خود آن ها بگذارد، نه دین و مذهبشان، به محض

^۱ مرکز تحقیقات اسلامی نمایندگی ولی فقیه، تهاجم فرهنگی، تهران، انتشارات معاونت فرهنگی سپاه ۱۳۷۸، ص ۱۰۹.

^۲ همان.

دیدن خلاف و اشتباه در اعمال الگوها و کسانی که به طرف دین دعوت می کنند، آن را به حساب دین و اخلاق و فضیلت می گذارد و از این رو، تمام دیدگاه ها و آرزوهایش به یکباره فرو ریخته، نسبت به همه چیز بدبین می شود. از همین روست که می گویند لغزش الگو و کسی که به عنوان منادی دین مطرح است خطرناک ترین وضع برای نسل جوان است. برای افرادی که دین و مذهب کاملاً برایشان جا افتاده باشد، این مسائل مشکلاتی را ایجاد نمی کند، زیرا آن ها می دانند که هر شخص ممکن است دچار خطا و اشتباه گردد و یا ممکن است هوای نفس بر شخص غالب شود و اعمالی را بر خلاف دین و مذهب مرتکب گردد. از این رو، کارهای چنین فردی را به حساب دین او نمی گذارند. ولی جوانی که تازه می خواهد دین را انتخاب کند و بدان معتقد شده و به این وسیله از الگوهای مذهبی پیروی نماید، آن را به حساب دین گذاشته و چنین تصور می کند که تمام دین همین است.

در این باره می توان گفت که الگوهای زنده و مشهور باید در مورد هدایت نسل نو احساس مسئولیت و مواظبت بیشتری کنند و از سوی دیگر، به نسل جوان، اصالت دین منهای افراد تفهیم گردد تا با فرو ریختن و یا ریزش یک الگو، جوان این را به حساب فرو ریختن دین و اخلاق نگذارد.

جوانان نه تنها رفتار خود مربی و مدعیان دینی را به دقت می نگرند، افکار و کردار فرزندان و بستگان نزدیک او را نیز می کاوند. اگر میان آنان افراد نامناسب، فاسد، و سودجو یافت شود، آن را بر ضعف معلم دینی حمل می کنند. بدین روی، مربی دینی باید برای تربیت نزدیکان خود نیز اهتمامی ویژه بورزد و با تدابیری، پیشاپیش از آینده تاریک آنان جلوگیری کند. قرآن نیز تأکید ویژه ای بر توجه به هدایت نزدیکان دارد. (إِذْ قَالَ لِأَبِيهِ وَقَوْمِهِ مَاذَا تَعْبُدُونَ^۱) ؛ آن زمان که ابراهیم به پدر و قوم خود گفت: آخر این چیست که می پرستید؟ پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) بیان رسالت را از نزدیکان خود آغاز کرد و سپس به دیگران توسعه داد.^۲

د: گرایش طبیعی انسان ها به رهایی از قید و بندها

انسان به طور طبیعی به دنیا طلبی و راحت طلبی بیشتر علاقه دارد تا حرکت به سوی خدا این امر غریزی است خوردن و خوابیدن برای انسان، راحت تر از این است که کارهای سخت انجام دهد.

^۱. (صافات: ۸۵)

^۲ ابوالفضل ساجدی، دین گریزی چرا؟ دین گرایی چه سان؟ قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره) ۱۳۸۴، ص ۲۳۷.

میل طبیعی به مادی گری و دنیا طلبی در انسان وجود دارد و هر جامعه ای که در این جهت زمینه بیشتری داشته باشد، مردمش به آن سمت بیشتر کشیده خواهند شد. در جامعه خودمان هم به همین صورت است؛ اگر چیزهایی که جوانان دوست دارند برایشان فراهم شود، زودتر به آن نزدیک می شوند. بنابراین، دنیا طلبی ریشه در طبیعت انسان دارد و این طور نیست که غرب، کاری عجیب و غریب کرده باشد یا معجزه ای رخ داده باشد که موجب شده همه به آن جذب شوند؛ این طبیعی است که اگر کسانی آن محیط را بیسندند و بخواهند خواسته های خودشان را ارضا کنند، وقتی ببینند جای دیگر ارضا نمی شود، به سراغ آن جا بروند.

این نکته نشان می دهد که ما در جامعه خود باید در کنار توجه به رشد معنوی و تعالی افراد، سعی کنیم جاذبه های مادی را فراهم کنیم، تفریح های سالم به اندازه کافی ایجاد نماییم و زمینه های ارضای نیازهای مادی را فراهم آوریم.^۱

ه: محدودیت های اعمال شده از سوی خانواده

استقلال طلبی، حریت و عدالت جویی، از ویژگی های بارز دوره جوانی است. جوانان برای اثبات این ویژگی ها، با بزرگسالان مقابله می کنند. این مقابله نه از سر لجبازی و پشت پا زدن به ارزش هاست، بلکه بیشتر جنبه اثباتی برای خود جوان دارد.

یکی از اشتباهاتی که در این زمینه از بزرگسالان سر میزند سرزنش و ملامت جوان است. این سرزنش ها هم از نظر عاطفی برای جوان مضر است و هم به روحیه استقلال طلبی او آسیب وارد می کند و نتیجه آن برافروختن آتش لجاجت و طغیان است.

امیر مؤمنان (علیه السلام) در این باره می فرماید: «الافراطُ فی الملامه یُشبُّ نیران اللجاج»^۲ «زیاده روی در ملامت و سرزنش، آتش لجاجت را شعله ور می سازد».

بنابراین، مقابله با روحیه استقلال طلبی جوان و سرزنش کردن افراطی او، پیامدهای خطرناکی به دنبال دارد. یکی از پیامدهای ناگوار آن، طغیان علیه ارزش های حاکم بر جامعه، گریز از ارزش ها و

^۱ ابوالفضل ساجدی و محمود نمازی، «میزگرد عوامل تضعیف و تقویت خود باوری فرهنگی و علل گرایش جوانان به

فرهنگ غیر خودی»، ماهنامه معرفت، ش ۴۵ (شهریور ۱۳۸۰)، ص ۱۳.

^۲ حسن بن شعبه حرّانی، تحف العقول، قم، جامعه مدرسین، ۱۴۰۴، ص ۸۲.

منبع آن هاست و چون معمولاً در جوامع دینی منشأ و منبع ارزش ها، «دین» است، این مسئله به دین‌گریزی می‌انجامد.^۱

و: وجود شبهات دینی در بین جوانان و عدم پاسخ صحیح به آن‌ها

یکی از موارد ضروری، شناخت دردها و دغدغه‌های فکری نسل جوان است. باید دانست که این دردها همیشه نشانه بیماری نیست، بلکه بیداری نیز هست.

پس از شناسایی دردها باید به درمان آن‌ها پرداخت و در هنگام درمان باید برخورد مناسب و منطقی داشت؛ زیرا عدم برخورد منطقی و درست، نسل جوان را به انحرافات گوناگون از جمله انحرافات فکری می‌کشاند و ممکن است آن را به دامن مکاتب و اندیشه‌های الحادی سوق دهد.

استاد مطهری یکی از علل گرایش نسل جوان به مکاتب الحادی، چه در مسیحیت و چه در جوامع اسلامی را، پاسخ غیر منطقی و غیر معقول به نیازها و سؤالات این نسل و نیز برخوردهای منفی با آنها می‌داند. از این رو، معتقد است که باید از طرد این نسل دوری گزید و تلاش کرد تا برای سؤالات دینی و نیازهای اساسی این نسل، جواب‌های معقول، منطقی و حقیقی بیابند.^۲

شهید مطهری می‌گوید: «فکر اساسی این است که ما درد عقلی و فکری این نسل را بشناسیم. بدون شناخت درد این نسل، هر گونه اقدامی بی‌مورد است. پس از شناخت درد باید به فکر درمان و چاره بود. اتفاقاً دیگران از راه شناختن احتیاجات، آرمان‌ها و دردهای این نسل و پاسخ درست به آن‌ها، آن‌ها را منحرف کرده‌اند، مانند مکتب ماتریالیسم در ایران.»^۳

استاد مطهری رمز انحرافات نسل جوان را در عدم پاسخگویی به نیازهای او می‌داند و می‌فرماید:

«ریشه بیشتر انحرافات دینی و اخلاق نسل جوان را در لا به لای افکار و عقاید آنان باید جست. فکر این نسل از نظر مذهبی چنان که باید، راهنمایی نشده است، و از این نظر فوق‌العاده نیازمند است.»^۴

^۱ حمیدرضا شاکرین، پیشین، ص ۲۵۱-۲۵۲.

^۲ مجله پیوند، شماره ۲۶۰، ص ۱۸.

^۳ مرتضی مطهری، ده گفتار، تهران، راه امام ۱۳۹۸ ق، ص ۱۸۳-۱۸۷.

^۴ مرتضی مطهری، مسئله حجاب، تهران، صدرا، ۱۳۶۵، ص ۱۳.

ایشان زایش و پیدایش سؤالات جدید و نیازهای تازه را، انحراف و انحطاط و زاییده هوس‌ها و شهوت‌های نسل جوان نمی‌شمارد، بلکه آن را نشانه رشد و حیات یک جامعه زنده می‌داند؛ البته به شرط آنکه اندیشمندان و عالمان دینی به وظیفه خود در پاسخ‌گویی و رفع نیازهای این نسل به خوبی عمل می‌کنند.^۱

مقام معظم رهبری در این زمینه می‌فرماید: ما کشوری هستیم که اسلام را الگوی خودمان معرفی کرده ایم و از آن دفاع می‌کنیم، ولی در تبیین و عمل به آن در جامعه، گاهی راه‌های افراطی را طی می‌کنیم. همین مطلب موجب می‌شود که برخی، وقتی عدم ثبات را در این زمینه می‌بینند از اصل دین‌گریزان شده و به فرهنگ دیگری جذب شوند.

کسانی که در یک کشور اسلامی، اسلام را ارائه می‌دهند و به اجرا می‌گذارند، باید یک حد متعادل و وسطی را مراعات کنند تا زمینه افراط و تفریط بسته شود و کسانی به فکر گرایش به افکار غیر اسلامی نیفتند.^۲

عوامل گرایش جوانان به فرهنگ بیگانه

الف: عدم شناخت صحیح فرهنگ غرب

برخی چنین می‌پندارند که در پس نظم موجود در غرب، ارزشی نهفته است، حال آنکه با دقت در زندگی غربی می‌بینیم که چنین نیست. نظام اسلامی حقوق بسیاری برای مردم قایل است. اسلام سفارش‌های بسیاری دارد مبنی بر اینکه نباید حق دیگران از بین برود. ارزش‌های بسیاری در پس رعایت همین قوانین راهنمایی و رانندگی ما قرار دارد، از جمله حق الناس. اما در غرب چنین ارزش‌هایی مطرح نیست، نظم موجود متأثر از پولی است که هم از مردم می‌گیرند و هم صرف این کار می‌شود، برخی قوانین وضع می‌شود، فناوری به کار گرفته می‌شود و به تبع آن، رعایت قوانین.

ولی نکته حائز اهمیت این است که برخی تصور می‌کنند واقعاً جامعه غربی یک جامعه ارزشمند است، یعنی یک سلسله ارزش‌های اخلاقی، معنوی و دینی باعث می‌شود که مردم قوانین را مراعات کنند، اما چنین نیست.^۳

^۱. همان

^۲ بیانات رهبر معظم انقلاب در جمع اساتید دانشگاه ها، (۱۳۹۲/۵/۱۵)

^۳ ابوالفضل ساجدی و محمود نمازی پیشین، ص ۹.

مردم غرب، تافته جدا بافته نیستند و اصالتاً با ما تفاوت ندارند، مثلاً این گونه نیست که آن ها اهل صداقت باشند و ما نباشیم و یا در آن ها صافی باشد و در ما آلودگی. همین ها هم که به عنوان نمونه ذکر می کنند مربوط به عوامل نظارتی است که به اینجا منجر شده. برای مثال، در فروشگاه ها، به ظاهر، کسی ناظر اعمال مراجعه کنندگان نیست، ولی دوربین های مخفی و عوامل غیر محسوس وجود دارند که اگر کسی مرتکب خلافی شود، برخوردهای شدیدی با او می کنند، افراد مطمئن هستند که تحت مراقبتند و کسانی ناظر آنها نیستند. یا مثلاً برخورد خوب همراه با روی باز و تبسم صاحبان مغازه ها با خریداران به این خاطر است که در آنجا پیدا کردن کار بسیار سخت است، اگر کسی کار پیدا کند، شغلی به دست آورد، آن را از موفقیت های بزرگ خودش می داند، چون در آنجا رقابت شدیدی برای به دست آوردن کار وجود دارد.^۱

ب: مشکلات اقتصادی موجود در داخل کشور

در دوره جوانی غرایز به نقطه اوج می رسد و جوان در پی ارضای آن هاست. تأمین به موقع نیازها، نقش بسیار مهمی در تعدیل رفتار و رشد و تکامل او دارد و عدم ارضای آن ها نه تنها مانع رشد و کمال می گردد، بلکه سبب ناهنجاری های رفتاری زیادی می شود. کفر- به عنوان یک ناهنجاری اعتقادی- همان سان که می تواند معلول جهل و ضعف معرفتی باشد، معلول فقر نیز هست. از این رو، معصومان (علیهم السلام) فرموده اند: یکی از پیامدهای احتمالی فقر، کفر و دین گریزی است.^۲

پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) در مورد ازدواج می فرماید: «مَنْ تَزَوَّجَ فَقَدْ احْرَزَ نِصْفَ دِينِهِ فَلْيَتَّقِ اللَّهَ فِي النِّصْفِ الْبَاقِي»^۳ «آنکه ازدواج کند، نیمی از دین خود را حفظ کرده است، پس در نیم دیگر پروای الهی پیشه سازد».

فراهم نبودن شرایط ازدواج، زمینه ساز گناه و زایل شدن ایمان می شود و به تدریج تبدیل به گریز از دین می گردد. بنابراین، ارضای نیازهای جسمانی و روحانی، در بهداشت روانی جوان مؤثر است و فقدان آن نه تنها سلامتی وی را تهدید می کند، بلکه زمینه ساز بسیاری از ناهنجاری هاست.^۴

^۱ همان، ص ۱۰.

^۲ حمیدرضا شاکرین، پیشین، ص ۲۵۲.

^۳ محمد باقر مجلسی، بحار الانوار، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۶۲، ج ۱۰، ص ۲۱۹، ح ۱۴.

^۴ حمیدرضا شاکرین، پیشین، ص ۲۵۲-۲۵۳.

ج: آزادی ابتذال و فساد و بی بند و باری در غرب

به طور طبیعی کسی که مایه اصیل اسلامی در او تقویت نشده، این گونه آزادی ها نظر او را جلب می کند و تصور می نماید که این آزادی یک نحو اصلاتی برای او می آورد و او را در دنیا سعادتمند می کند. ولی با نگاهی به جامعه غربی، به راحتی می توان دریافت که این تفکر چقدر اشتباه است و به واقع، آنچه اکنون غرب را در بسیاری از مسائل روحی و اجتماعی به بن بست کشانده، همین آزاد گذاشتن غرایز جنسی است. نکته حائز اهمیت این است که به تدریج فحشا از ناحیه کسانی صورت می گیرد که وظیفه آن ها نجات جامعه از سقوط اخلاقی است. رهبران فکری جامعه به عنوان طرف دار آزادی مطلق، مفهوم واقعی «فحشا» را تغییر داده و مردم را به ارتکاب آنچه مخالف شرف و فضیلت است تشویق می نمایند. ویل دورانت می گوید:

«زندگی شهر نشینی در غرب طوری شده که آدمی را از اندیشیدن به ازدواج باز می دارد.»^۱

د: استقبال کشورهای غربی از نخبگان و ذهن های خلاق دنیا

درک نقش و وظایفی که نخبگان یک جامعه در هدایت جامعه و پیشرفت آن دارند، از اهمیت بسزایی برخوردار است. اگر این مسئله درست درک نشود و برای استفاده بهینه از این افراد برنامه ریزی نگردد و جایگاه مناسب اجتماعی و شرایط لازم یک زندگی راحت فراهم نشود، خیلی زود این سرمایه ها از دست می رود.

غرب به دلیل آن که باید برای رشد صنعت و به روز نگه داشتن نوع فناوری های خود، از مغزها پیوسته استفاده کند تا بتواند در جهان رقابت کامل، زنده بماند، در جهت جذب نیروهای کیفی عالم، برنامه های بسیار متنوع و جذابی در نظر گرفته است. در مقابل، از آن رو که ما روزانه فکر می کنیم و در فکر برنامه های دراز مدت نیستیم و شاید در بسیاری از موارد، اصلاً بدون برنامه و نظم کار می کنیم، به طور طبیعی برای استفاده از این نیروهای مفید نه تنها برنامه ای نداریم، بلکه گاهی موجبات هدر رفتن آن ها را با دست خود فراهم می کنیم. از این روست که به محض شکوفایی یک استعداد و مطرح شدن آن در جامعه، شاهد پذیرش یک طرفه از سوی دانشگاه های اروپایی و آمریکایی هستیم. آن ها مترصدند تا استعدادهای کشورهای شرقی را سریعاً برابند.

^۱ ابوالفضل ساجدی و محمود نمازی، پیشین، ص ۸.

کسانی که از مغز متفکری برخوردارند، به طور طبیعی به سوی مراکزی کشیده می شوند که در آن جا از آن ها استقبال بیشتری می گردد و تلاش های آنان ارج نهاده می شود. بنابراین، مدیریت فناوری و شناخت و استفاده از فناوران مؤمن و برنامه ریزی برای توزیع صحیح و کارآمد آنان، باید در رأس وظایف در مؤسسه یا وزارتخانه ای قرار گیرد تا بتواند به موقع از این نیروهای کیفی، مفید و متعهد در هر رشته استفاده لازم را در جهت شکوفایی و رشد و تعالی نظام مقدس جمهوری اسلامی ببرند.^۱

ه: تعمیم های بی جا

تعمیم بی جا مفهومی است که هم در منطق و هم در روانشناسی از آن سخن به میان می آید. ساختار روانی انسان به گونه ای است که اگر کسی مثلاً در بعد اخلاقی مورد اعتماد او بود، همه نظریات آن فرد را در هر زمینه ای به طور کامل قبول می کند. ریشه این تمایل در «تعمیم بی جا» است.

این ویژگی به خصوص در دوره جوانی، در افراد، زیاد دیده می شود، یعنی اگر جامعه «الف» ببیند که جامعه «ب» در یک بعد پیشرفت قابل ملاحظه ای نموده، دوست دارد که جامعه «ب» را در ابعاد دیگر نیز مطلوب بینگارد. نمونه این مطلب، نگاه افرادی از جامعه ما به جوامع غربی است.

برخی چون می بینند کشورهای غربی در صنعت گام های بلندی برداشته اند، ناخودآگاه تمایل دارند نتیجه بگیرند که همه ابعاد زندگی در این کشورها درست است و باید الگوی این ها باشد. می گویند: چون این کشورها از نظر فناوری بالاتر از همه هستند، پس اگر در آنجا بی حجابی وجود دارد، بی حجابی ارزش است، اگر در آنجا دین وجود ندارد، دین چیز بی ارزشی است!

انسان منطقی و معقول کسی است که تعمیم بی جا ندهد. تعمیم بی جا زمینه ای است که انسان را به مغالطه می کشاند. بنابراین باید کارهای افراد را تحلیل و بررسی کنیم، ببینیم تا چه اندازه رفتار یک فرد یا یک جامعه با عوامل گوناگون ارتباط دارد. آیا فناوری با بی حجابی به دست می آید؟ اگر ما بخواهیم در جامعه خودمان نظم را حاکم کنیم، آیا راهش این است که نماز نخوانیم و ارزش های دینی مان را زیر پا بگذاریم؟ این ها تعمیم های نارواست.^۲

^۱ همان، ص ۱۹.

^۲ همان، ص ۱۵.

راهکارهای رفع دین گریزی و گرایش به فرهنگ بیگانه

الف: ارائه الگوهای مناسب

الگوهای جذاب، برای یادگیری و شکل دهی رفتار انسان ها، به ویژه جوانان، نقش اساسی دارد. در دوره نوجوانی و جوانی، تأثیر پذیری از خانواده به شدت کاهش می یابد و گاهی بین خانواده و جوان تعارض و درگیری به وجود می آید. از این رو، جوان برای ساختن نظام ارزشی و اعتقادی خود می خواهد از چیزهایی غیر از خانواده و مربیان قبلی استفاده کند.

از عوامل تأثیر گذار در بیرون نهاد خانواده، الگوها و دوستان هستند. در این میان، نقش الگوهای مورد قبول جوان بسیار زیاد است، چه اینکه دوستان نیز در حال ساختن نظام ارزشی خود و نیازمند الگوهای مورد پسند می باشند. در این شرایط، اگر الگوهای مناسب و در دسترس وجود نداشته باشد، جوان دچار سردرگمی شده و تعادل روانی او از مرز ارزشی خارج می شود. در این صورت، چه بسا به الگوهای مجازی پناه برده و یا تحت تأثیر دوستان کم تجربه قرار گیرد و یا به دام شیادانی بیفتد که در کمین جوانان سردردگم هستند و در نتیجه، شرایط و زمینه های گریز از دین برای او فراهم می شود.^۱

انسان به فطرت خود، کمال دوست و کامل جو است. او به کمال عشق می ورزد و در پی آن می دود. در عرصه تربیت دینی جایگاه الگوجویی آشکارتر است. به دلیل پیوند میان آموزش و پرورش دینی، جوان درصدد یافتن الگوهایی بشری است که نظریاتی انتزاعی است که با جهان آدمی بی ارتباط است. افزون بر آن که نوجوان و جوان، زندگی خویش را با کاوشی از الگوهای انسانی برتر آغاز می کند. اگر آن ها را در دین گرایان نیابد، در دین ستیزان می کاود و تا رفع این نیاز هرگز نمی آساید. الگوهای دینی نباید به مثابه فوق بشر، بلکه باید بشر مافوق تلقی شوند، زیرا مافوق بشر نمی تواند الگوی نیکویی برای آدمی باشد.^۲

ب: تقویت بینش دینی جوانان و شناساندن فرهنگ غرب به آنان

در مواردی دین چنان معرفی می شود که گویی مانع ارضای نیازهای اوست. چنین تصویری در نهایت، به دین گریزی می انجامد. جوان در شرایطی قرار دارد که انواع غرایز، به ویژه جنسی و لذت

^۱ حمیدرضا شاکرین، پیشین، ص ۲۵۱.

^۲ ابوالفضل ساجدی، دین گریزی چرا؟، ص ۲۳۷.

طلبی، در او به نقطه اوج رسیده و عوامل بیرونی نیز او را احاطه کرده و آتش شهوت را در او برمی افروزد.

حال اگر دین به گونه ای ترسیم شود که گویی مانع ارضای غرایز اوست و راه کاری برای ارضای آن ها ندارد، طبیعی است که نسبت به دین گریزان می شود و دین پذیری را مساوی با سرکوب غرایز خود می انگارد.

افزون بر آن، روحیه استقلال طلبی، حریت و قطع وابستگی، از جمله ویژگی های روحی جوان است. او یک دوره گذار از وابستگی به استقلال را طی کرده و می خواهد با اراده آزاد خود انتخاب کند. از نظر اخلاقی نیز مرحله اخلاق «دیگر پیرو» (تقلیدی) را پشت سر گذاشته و وارد مرحله اخلاق (خود پیرو) گردیده است.

او از هر مانعی هر چند تخیلی گریزان است و می خواهد در رفتار، گفتار، تفکر و انتخاب آزاد باشد. گرچه عدم تربیت صحیح روحیه استقلال طلبی و پیروی بی چون و چرا از غرایز و لذت طلبی افراطی، برای جوان بسیار خطرناک است، اما در بدو امر، هر چیزی که بخواهد محدودیتی برای او ایجاد کند، امری ناخوشایند تلقی می شود، مگر اینکه راه کارهای دین برای ارضای سالم غرایز به خوبی برای او ترسیم شود.

یقین به حقایق با عظمتی همچون آفریدگار جهان، پیامبران الهی و رستاخیز نوعی تعهد در انسان پدید می آورد و میزان معنویت او را در برابر یورش فرهنگی بیگانگان افزایش می دهد. به عبارت دیگر، تقویت باورهای دینی و پی ریزی بینشی درست در زمینه مذهب و سیاست می تواند همچون سنگری نفوذ ناپذیر مردم را در برابر بمباران فرهنگی دشمن محافظت نماید و سودجویان غرب را ناکام و نا امید سازد. بی تردید، چنین ایمانی جامعه را به جهت گیری صحیح رفتاری رهنمون می نماید و از کژروی و ناهنجاری ها باز می دارد. قرآن کریم در این باره می فرماید: (يَهْدِيهِمْ رَبُّهُمْ بِإِيمَانِهِمْ)^۱، (پروردگارشان به سبب ایمانشان هدایت می کند).

بی تردید، شناسایی دشمن و اهداف وی از الفبای مبارزه به شمار می آید؛ برای رویارویی فرهنگی نیز باید فرهنگ دشمن و ویژگی های آن، مورد بررسی دقیق قرار گیرد.

^۱ (یونس: ۹)

چنین تحقیق وسیع و همه جانبه ای، اندیشمندان را در شناخت درست ردپای انحراف یاری می‌دهد. از سوی دیگر، باید اهداف دشمن، ابزار و شیوه های مورد استفاده وی شناسایی شود. آگاهی از ابزار و شیوه های مورد استفاده یورش گران می تواند مسئولان را در خلع سلاح مهاجمان کمک کند و نقشه های آنان را خنثی سازد.^۱

ج: زدودن فقر اقتصادی و اشتغال سازنده و مفید

تنگدستی را شاید بتوان از پلیدترین پدیده های جامعه به شمار آورد. بی تردید، بسیاری از ناهنجاری های اجتماعی همچون سرقت، ولگردی، گدایی، خود فروشی، و اعتیاد، به علت تنگدستی و بی چیزی به وجود می آید. نگاهی گذرا به بزهکاران و ساکنان ندامتگاه ها ما را به این حقیقت دردآور رهنمون می نماید که شمار بسیاری از آنان در اثر تهی دستی، پای در این راه شوم و بدفرجام نهاده اند.

پدیده فقر در هر جامعه که چهره کریه خود را به نمایش بگذارد، مانند سیلی بنیان کن زیربنای تمامی ارزش های انسانی را از بن ویران می سازد و کاخ های کرامت و شرافت آدمی را به بیغوله های ننگ و بدنامی تبدیل می کند.^۲

یکی از عوامل مهم در سلامت فردی و جامعه، اشتغال سازنده و کار مفید است. اشتغال سازنده زمینه شکوفایی استعدادها و بروز خلاقیت ها و ابتکارات را فراهم می آورد و کار و تلاش، شرایط را برای رشد و پیشرفت جامعه مساعد می سازد.

بی کاری موجبات تنبلی، سستی، افسردگی و قساوت قلب را فراهم می آورد. گسترش بی کاری در جامعه سبب افزایش فقر و ناتوانی و در نتیجه، ازدیاد فساد و فحشا و به کفر می انجامد.

عدم اشتغال ذهنی، تخیل گرایی منفی، آلودگی فکری، آسیب پذیری سلامت روانی و عاطفی را به همراه دارد و عدم اشتغال جسمی، رکود و سستی و تنبلی و بیماری جسمی و بدنی را دامن می‌زند و خمودی و ناتوانی را دنبال می کند. به همین دلیل «کار به عنوان یک عامل سازنده بسیار مهم در تربیت اسلامی قلمداد گشته و بیکاری و فقر به شدت نفی شده است»^۳

^۱ مرکز تحقیقات اسلامی نمایندگی ولی فقیه، پیشین، ص ۱۴۱-۱۴۲.

^۲ محمد باقر مجلسی، پیشین، ج ۷۲، ص ۱۴۴-۱۴۲.

^۳ مرتضی مطهری، تعلیم و تربیت در اسلام، تهران، صدرا، ۱۳۶۷، ص ۲۵۸.

د: پیش گیری از نفوذ عوامل فرهنگی دشمن

نگاهبانی از ارزش های الهی، بینشی ژرف می طلبد؛ بینشی که در سایه آن، همه عوامل فرهنگی غرب را شناسایی و کنترل نموده و در صورت لزوم، طرد و منزوی می سازد. از این رو، بر همه مسئولان امر وظیفه است که به هر شکل ممکن جلوی نفوذ فرهنگی دشمن را بگیرند. چنانچه این کار انجام نشود، همه مسئول می باشند.

امام خمینی (قدس سره) در این باره می فرماید:

اکنون وصیت من... آن است که نگذارند این دستگاه های خبری و مطبوعات و مجله ها، از اسلام و مصالح کشور منحرف شوند و باید بدانیم که آزادی به شکل غربی آن که موجب تباهی جوانان و دختران و پسران می شود، از نظر اسلام و عقل محکوم است و تبلیغات و مقالات و سخنرانی ها و کتاب ها و مجلات بر خلاف اسلام و عفت عمومی و مصالح کشور، حرام است و بر همه ما و همه مسلمانان جلوگیری از آن ها واجب است. و از آزادی های مخرب باید جلوگیری شود، از آنچه در نظر شرع حرام و آنچه بر خلاف مسیر ملت و کشورهای اسلامی و مخالف با حیثیت جمهوری اسلامی است، به طور قاطع اگر جلوگیری نشود، همه مسئول می باشند.^۱

ه: استفاده از امکانات تربیت بدنی

تربیت بدنی و سلامت جسمی، نیاز طبیعی فرد سالم است که می تواند زمینه ساز سلامت روانی و عاطفی آنان شود. میزان سلامت جوانان در چگونگی پیشرفت تحصیلی آن ها مؤثر است. هر چه جوان سالم تر، با نشاط تر و شاداب تر باشد، فراگیری و رشد، سریع تر و متعادل تر صورت می گیرد و زحمات صورت گرفته از سوی والدین و مسئولان بیشتر به نتیجه می رسد و متقابلاً این گروه هر چه از سلامت کمتری برخوردار باشند، کسالت و خمودی بیشتر می شود و در نتیجه، افت تحصیلی و مشکلات رفتاری فزون تر می گردد.

از سوی دیگر، نوجوان و جوان سرشار از انرژی فزاینده است که باید به صورت صحیح و منطقی تخلیه شود. تراکم این انرژی و عدم تخلیه معقول آن می تواند زمینه ناهنجاری های فردی و اجتماعی را به همراه داشته باشد. چنانچه معمولاً کودکان در ممنوعیت بیش از حد، برای محیط خانه و اجتماع

^۱ امام خمینی، صحیفه نور، تهران، سازمان مدارک فرهنگی انقلاب اسلامی، ۱۳۶۹، ج ۲۱، ص ۱۹۵.

مسئله آفرین و اغلب بزه‌کاران، امکان و شرایط لازم و هدایت شده برای تخلیه انرژی خودشان را نداشته‌اند.

اگر محتوای آموزه‌های تربیتی مجموعه‌ای از سلب‌ها و ممنوعیت‌ها، بدون جایگزینی مناسب باشد به تدریج مربی را از میدان به در می‌کند، زیرا:

اولاً، تربیت در پرتو احساس اشتیاق مربی حاصل می‌شود و غالب جوانان اشتیاقی به نهی و منع ندارند. ارائه جایگزین‌های دلنشین می‌تواند رغبت آفرین باشد.

ثانیاً، بسیاری از ممنوعیت‌های دینی، لذا ید مادی است که جوان به طور غریزی در پی آن‌هاست؛ ارتکاب آن‌ها راهی به سوی ارضای نیازهای غریزی و ترک آن‌ها به منزله نبرد با گرایش‌های درونی است. بدین روی، هدایت جوان نمی‌تواند چکشی انجام گیرد و امیال درونی وی به فراموشی سپرده شود؛ بلکه باید با ارائه طریق مناسب و جایگزین مشروع برای ارضا همراه شود.

ثالثاً، جوانی که به محرماتی عادت کرده است، ترک عادت او را به تنش شدید روانی دچار می‌کند. در صورتی می‌توان از این تنش طاقت فرسا جلوگیری کرد که عادات جایگزین حاصل شود.

رابعاً، منع، غالباً وقت آفرین است. اگر با ترک رفتارهای مضر اوقات فرد خالی می‌شود لازم است که به وجهی نیکو پر شود، وگرنه فرصت اضافی ممکن است برای فرد مشکلات جدیدی بیافریند.

بر این اساس، اگر تفریحات ناسالم از مربی گرفته می‌شود، لازم است که امکان تفریحات سالم فراهم شود، که استفاده از امکانات تربیت بدنی یکی از جایگزین‌ها می‌باشد.^۱

^۱ ابوالفضل ساجدی، دین‌گریزی چرا؟، ص ۲۶۶-۲۶۷.

نتیجه گیری

با توجه به مباحث ارائه شده، چنین می توان نتیجه گرفت که از عوامل اصلی دین گریزی جوانان ناسازگاری میان قول و عمل کسانی است که به طرف دین دعوت می کنند. عوامل دیگری از جمله غفلت، جهل و عدم تفکر جوانان درباره دین، و یا تهاجم فرهنگی نیز تأثیر اساسی و فراوانی در این فرایند دارند. به هر حال، از بهترین و اصلی ترین راه ها برای جلوگیری از دین گریزی جوانان نشان دادن یک الگوی مناسب برای جوان می باشد و منادیان دین و کسانی که به طرف دین دعوت می کنند، باید پیش از اینکه در جامعه تبلیغ کنند، به فکر تزکیه و تهذیب نفس خود باشند

البته نباید از عوامل دیگر نیز غفلت کرد که هر یک به نوبه خود عامل مهمی برای دین گریزی جوانان هستند. در مسئله گرایش به فرهنگ غرب، عدم شناخت صحیح از فرهنگ غرب به عنوان عامل اصلی بیان شده است و مشکلات اقتصادی در داخل و آزادی ابتذال موجود در غرب در رتبه های بعدی قرار دارند. بنابراین به این عوامل، راه کارهایی که برای جلوگیری از این دو می توان بیان کرد، تقویت بینش دینی و سیاسی جوانان و زدودن فقر اقتصادی و ارائه الگوهای مناسب به جوانان می باشد و علت های دیگر در اولویت و رتبه های بعدی قرار دارند.

منابع

۱. از بیانات معظم له در دیدار با جوانان، اول اردیبهشت ۱۳۷۹.
۲. امام خمینی، روح الله، صحیفه نور، تهران، سازمان فرهنگی انقلاب اسلامی، ۱۳۶۹، ج ۲۱، ص ۱۹۵.
۳. بیانات رهبر معظم انقلاب در جمع اساتید دانشگاه ها، ۱۵ مرداد ۱۳۹۲.
۴. بیانات مقام معظم رهبری در دیدار با فرماندهان نیروی مقاومت بسیج، ۲۲ تیر ۱۳۷۷.
۵. بیانات مقام معظم رهبری، روزنامه جمهوری اسلامی، ۲۲ مرداد ۱۳۷۲، ص ۳.
۶. حرّانی، حسن بن شعبه، تحف العقول، قم، جامعه مدرسین، ۱۴۰۴، ص ۸۲.
۷. ساجدی، ابوالفضل و نمازی، محمود، «میزگرد عوامل تضعیف و تقویت خود باوری فرهنگی و علل گرایش جوانان به فرهنگ غیر خودی»، ماهنامه، ش ۴۵ (شهریور ۱۳۸۰)، ص ۱۳.
۸. ساجدی، ابوالفضل، دین گریزی چرا؟ دین گرایی چه سان؟، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره)، ۱۳۸۴، ص ۲۳۷.
۹. شاکرین، حمیدرضا، پرسش ها و پاسخ های دانشجویی، چ سوم، قم، معارف، ۱۳۸۵، ص ۲۴۸ - ۲۵۰.
۱۰. طهماسبی پور، امی هوشنگ، معاونت سیاسی نمایندگی ولی فقیه در قرارگاه و استحاله، تهران، معاونت سیاسی نمایندگی ولی فقیه، ۱۳۷۸، ص ۳۵.
۱۱. مجلسی، محمد باقر، بحارالانوار، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۶۲، ج ۱۰، ص ۲۱۹، ح ۱۴.
۱۲. مجله پیوند، شماره ۲۶۰، ص ۱۸.
۱۳. محمدی ری شهری، محمد، منتخب میزان الحکمه، ترجمه حمیدرضا شیخی، چ سوم، قم، دارالحديث، ۱۳۸۴، ص ۲۹۰.
۱۴. مرکز تحقیقات اسلامی نمایندگی ولی فقیه، تهاجم فرهنگی، تهران، انتشارات معاونت فرهنگی سپاه، ۱۳۷۸، ص ۱۰۹.
۱۵. مطهری، مرتضی، تعلیم و تربیت در اسلام، تهران، صدرا، ۱۳۶۷، ص ۲۵۸.
۱۶. مطهری، مرتضی، ده گفتار، تهران، راه امام، ۱۳۹۸، ق، ص ۱۸۳ - ۱۸۷.
۱۷. مطهری، مرتضی، مسئله حجاب، تهران، صدرا، ۱۳۶۵، ص ۱۳.

۱۸. موحدنیا، فریدون، علل گرایش نسل جوان امروز به فرهنگ بیگانه، پایان نامه
کارشناسی ارشد، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره)، ۱۳۷۹، ص ۳۵-۳۶.